

ناصر باقری بیدهندی



# آیت الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی<sup>۱</sup>

(قدس سره)



آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی فرزند مرحوم شیخ ملا محمد تقی (رضوان الله علیه) یکی از معاصرین مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و از علماء بزرگ حوزه قم بشمار می آیند، تاریخ ولادت ایشان ۱۲۸۰ قمری است.

۱ - جناب ایشان چون تشابه اسمی با آقا شیخ ابوالقاسم بن محمد کریم - که در قم محله سلطان محمد شریف ساکن بود - داشت، لذا برای جداسازی این دو از یکدیگر به ایشان لقب کبیر و به سنی اولقب اصغیر داده شده است.



### تحصیلات

در قم از محضر مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسن نادری (متوفای ۱۳۱۷) و مرحوم حجة الاسلام والمسلمین ملا محمد جواد قمی (متوفای ۱۳۱۲ هجری) کسب علم نمود و در نجف از محضر آیات الله العظام مرحوم میرزا حسین حاج میرزا خلیل طهرانی نجفی (متوفای ۱۳۲۶) و مرحوم حاج آقا رضای همدانی (صاحب مصباح الفقیه و متوفای ۱۳۲۲) و مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (متوفای ۱۳۲۹) و مرحوم سید محمد کاظم یزدی (متوفای ۱۳۳۷) و در تهران از محضر مرحوم میرزا محمد حسن آشتیانی (متوفای ۱۳۱۹) و دیگران، استفاده کرد و به مراحل عالی علمی نائل گردید. آنگاه به زادگاه خویش، قم بازگشت و به تدریس و تصنیف و تحقیق پرداخت و حوزه درسش محل استفاده فضلاء و دانشمندان آن روز قم - که بعضی از ایشان از مراجع تقلید امروز بشمار می آیند - گردید.

### خاطره ای از دوران طلبگی

استاد بزرگوار حضرت آقای شبیری زنجانی از آقای ولایتی که از فهرست نویسان فاضل کتابخانه آستان قدس رضوی هستند و دوران پیری و کهولت را می گذرانند نقل می کنند:

من در نجف در مدرسه وسطای مرحوم آخوند ساکن بودم (لازم به توضیح است که مرحوم آخوند در نجف سه مدرسه ساخت، یکی بزرگ، دیگری متوسط، سومی کوچک) و حاج شیخ محمد حسن پسر حاج شیخ ابوالقاسم هم در آن مدرسه ساکن بود، مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم به نجف مشرف شده و به حجره پسرش وارد شدند، علمای بزرگ مانند آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقای میرزا حسین نائینی (رحمة الله علیهما) در همان حجره از ایشان دیدن کردند، طلبه ها نیز به دیدارشان رفتند.

مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم بعلمت اینکه خیلی برای درس طلاب اهمیت قائل بوده و



اتلاف وقت آنان را صحیح نمی دانست، به پسر خود گفته بود که طلاب چه موقع چای صرف می کنند، همانوقت ما برای بازدید آنان برویم (انتخاب این وقت برای این بود که نه وقت طلبه ها گرفته شود و نه تکلف زائدی برای پذیرائی برایشان پیش آید و از همان چائی که می نوشند، برای ایشان هم بیاورند) و موقعی که آقای حاج شیخ ابوالقاسم به حجره ما تشریف فرما شد، در ضمن فرمایشات خود فرمودند: وضع شما طلبه ها، الآن خیلی اعیانی و شاهانه است، در زمانی که ما تحصیل می کردیم طلبه های معمولی هفته ای یک نوبت پختنی داشتند و طلبه های اعیان، هفته ای، دو بار و طلبه های فقیر ماهی یک وعده، درپکی از سالهای تحصیلی که دو ماه گوشت نخورده بودم از کنار حجره طلبه ای رد می شدم که داشت آبگوشت را از دیزی درون کاسه می ریخت، بوی آبگوشت که در فضا پیچیده بود، پای مرا سست کرد، طلبه متوجه شد و تعارف کرد قبول نکردم و گفتم نه، من نهار خورده ام، چون قبلاً با مقداری فجل (تریچه) خود را سیر کرده بودم. چون عادت داشتم که نماز شب را در حرم بخوانم (البته آن موقع چون چراغ نبود و همه کوجه ها تاریک بود، سحرها جز عده معدودی از خواص و مقدسین به حرم نمی رفتند) موقعی که به حرم حضرت امیر (ع) مشرف شدم یکی از صوفی های بکتابشی در حرم حجره ای گرفته بود (این صوفی ها چون از یک طرف با امپراتوری عثمانی مربوط بودند و از طرف دیگر به خدمه پول می دادند در حرم برای خود تشکیلات و برو بیانی داشتند) و در بالای کفشداری مشغول مناجات بود. من آن موقع بعد از نماز شب به حضرت امیر متوسل شدم که یا علی: تونزد خدا واسطه شو، شاید ماهی یک بار گوشت نصیب ما بشود، در همین هنگام آن صوفی در مناجات خود می گفت خدایا مرا با ذوالنورین (عثمان) محشور کن، من ناخود آگاه گفتم: آمین، در این موقع یکی از خدمه به من گفت: که فرار کن که اگر این تورا گیر بیاورد پدرت را در می آورد! من اول خواستم فرار کنم ولی بعد گفتم، کجا از حرم حضرت امیر مطمئن تر، و با خود گفتم: همینجا می مانیم، ببینیم چه می شود، در این هنگام آن صوفی به من رسید و گفت توبودی که آمین گفتی؟ گفتم: آری گفت: انت المؤمن حقاً امنتم دعاء اخیک بالغیب.

و بعد در ضمن دست دادن، یک لیره به من داد (لیره عثمانی یا لیره دیگر بهر حال پول قابل توجهی بوده است) بدین ترتیب، حضرت امیر به دست آن صوفی، حاجت آن مرحوم را روا می دارند.

\* \* \*





## موقعیت علمی

□ صاحب اعیان الشیعه می نویسد: ایشان دانشمندی فاضل، پژوهشگر، فقیه، اصولی، باتقوی، زاهد، مشهور به فضل، گستردگی اطلاعات و دقت نظر بود و حتی از نظر علمی به مرتبه ای بود که بعضی، ایشان را بر مرحوم آیت الله حائری (مؤسس حوزه مقدسه قم) ترجیح می دادند، در اواسط سال ۱۳۵۳، ایشان را در قم دیدم و پیرامون برخی مسائل گفتگو کردیم و فضل و دقت نظرش را از آن فهمیدم، ... فضلاء قم و غیره ایشان را می ستودند.<sup>۱</sup>

□ حضرت آقای شبیری زنجانی از آیت الله العظمی گلپایگانی (دامت برکاته) نقل می کنند که مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم گاهی در درس از حاج شیخ ابوالقاسم، مطالبی نقل می کرد: مثلاً یک روز در یک موضوع چهار اشکال از ایشان نقل فرموده و دو تای آن را قبول و دو تای دیگر را رد کردند.

(این مطلب نشانگر مرتبه علمی آقای شیخ ابوالقاسم و نشانه علم دوستی مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری می باشد).

□ حجة الإسلام والمسلمین آقای مصلحی از والدشان حضرت آیه الله العظمی اراکی (دامت برکاته) نقل کرده اند که آقای حاج شیخ عبدالکریم در درس از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم مطلبی نقل کرد و آن را پذیرفت. خلاصه آن مطلب این است که مرحوم شیخ انصاری در رسائل می فرماید: حدیث رفع ظاهر در رفع خصوص مؤاخذه است ولی از صحیحته بزنطی استفاده می شود که رفع جمیع آثار مراد است، بنابراین باید از ظهور حدیث، رفع بد نمود.

صحیحته بزنطی: «عن ابن الحسن (ع) فی الرجل یتکبره علی الیمین فحلف بالطلاق والعتاق وصدقة ما یملك أیلمه ذلك؟ فقال علیه السلام: لا، قال رسول الله (ص) وضع عن امتی ما اکرهوا علیه وما لا یطیقوا وما اخطأوا»<sup>۲</sup>

چون حضرت برای رفع حکم وضعی و عدم تحقق طلاق و عتاق به مجرد قسم، به نبوی تمسک کرده اند، معلوم می شود مراد از این خبر، رفع جمیع الآثار است.

۱ - اعیان الشیعه، جزء ۸۶/۷ (ش ۸۷۴ و چاپ جدید، ج ۲/۴۱۰).

۲ - وسائل ج ۱۶ - کتاب الایمان - باب من نذر وحلف ان لا یشتری لاهله، باب ۱۲، ح ۱۲.



ولی مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم می فرموده: که معلوم نیست سؤال سائل از حکم وضعی باشد بلکه چون حلف به طلاق و عتاق (به نحو شرط نتیجه) خود، حرام تکلیفی است ممکن است سؤال از این باشد که حالا که کسی مجبور شده به حلف، آیا کار حرامی مرتکب شده است؟ و مراد از «أیلمه ذلك» هم این است که آیا این کار (= حلف) دست و پاگیر و مزاحم و خلاصه عقوبت‌زا است یا خیر؟

□ مرحوم خیابانی در کتاب «علماء معاصرین» در ضمن شرح حال آقا میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی (ره) از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم اینگونه تجلیل می‌کند: «امام اورع از هد و حبر فقیه او حد آقا شیخ ابوالقاسم، شیخ علماء قم و مرجع تقلید ایشان...»

□ یکی از شاگردان محترم و فاضل مرحوم آیت الله یثربی کاشانی می فرمود: مرحوم آقا میرسید علی یثربی با حاج میرزا ابوالقاسم کبیر، روزهای پنج‌شنبه مباحثاتی داشتند و از آقای کبیر و دفت‌های علمی او بسیار تمجیدی کرد و می فرمود: مرد هلاً و دقیق است. اکنون که موقعیت علمی وی معلوم گردید بد نیست که بدانید معظم له با این موقعیت علمی از بازار و مردم هم غافل نبوده و یک درس مکاسب هم برای بازاریان باسواد قم داشته‌اند تا کسبه و تجار، با احکام شرعی تجارت آشنا شوند.

### نقش آن مرحوم در تأسیس حوزه قم

• حضرت آیت الله سید مصطفی خوانساری نقل کردند که در سال ۱۳۴۰ که حاج شیخ ابتداء برای زیارت به قم آمده بودند به منزل آقای شیخ مهدی حکمی وارد شدند و مرحوم میرزا محمد ارباب و مرحوم آقای کبیر از ایشان دیدن کردند. در آن مجلس، بحثی علمی پیش می‌آید و این سه عالم با هم بحث می‌کنند، در بازگشت، مرحوم آقای ارباب به آقای کبیر می‌گوید: حاج شیخ با ما فرق می‌کند هر کجا که باشد و حوزه تأسیس کند، حوزه در همانجا تشکیل خواهد شد پس چه بهتر که در قم تشکیل گردد و ما قمی‌ها هم در آن سهم باشیم، مرحوم آقای کبیر می‌فرماید: اتفاقاً من هم می‌خواستم همین را بگویم، ولذا بنا می‌گذارند که برگردند و از حضور آقای حائری تقاضای ماندن بکنند و این کار را می‌کنند. (این جریان را استاد معظم آقای شبیری زنجانی از قول مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای شهاب الدین





اشراقی نواده آیه الله آقا میرزا محمد ارباب نیز نقل فرموده اند).<sup>۱</sup>  
• استاد بزرگوار جناب آقای حاج شیخ احمد آذری قمی فرمود: نقل شده که ایشان فدائیکاری عجیبی نسبت به آقای حائری از خود نشان می داد مثلاً می آمد به درب منزل مرحوم آقای حائری نگاه می کرد و می فرمود: نظر به درب منزل ایشان هم ثواب دارد، شرکت در دروسش ثواب دارد. و به این طریق از مؤسس عالیقدر حوزه، ترویج می کرد.

### ملکات فاضله و اخلاق حسنه آن مرحوم

۱ - استاد محترم جناب آقای حاج آقا موسی شبیری زنجانی از حضرت امام خمینی (مدظله العالی) نقل کرده اند: علت موفقیت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم این بود که علماء قم افرادی متقی و سطح بالا بودند و الا اگر ایشان جای دیگر می رفت. ممکن بود از معظم له، استقبالی که در خور مقامشان بود بعمل نیاید و قهراً ایشان در کار خود موفق نمی شدند.  
و حضرت امام و مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی مدتی در درس معظم له شرکت کرده و می فرمودند که عمده به جهت بهره گیری از انفاس قدسی آن مرحوم به درس می رفته اند.

### ترک هوی و احترام به سادات

۲ - حضرت آقای حاج سید مصطفی خوانساری - از شاگردان معظم له - نقل می کرد که: مرحوم آقای کبیر به جمیع جهات، تارک هوی بود و در جلسه ای والد حاج آقا باقر فاطمی را جلو انداخت، یکی از علماء قم به او گفت: چرا آبروی ما را می بری؟! ایشان می فرمود: می خواهی آبروی مرا جلوی پیغمبر خدا ببری؟! او سید است و باید مقدم داشته شود.

نمونه دیگر اینکه، او همسری علویه داشته که فوق العاده مورد احترام ایشان بود، بحدی که خود از نان جو استفاده می کردند ولی مقید بودند که برای وی، نان گندم تهیه کنند.

### مرتب اخلاق

۳ - شهید بزرگوار مرحوم دکتر بهشتی نقل می کرد: از حضرت امام خمینی (مدظله

.....  
۱ - نیز در مورد اقبال علمای قم از مرحوم حاج شیخ به کتاب «الکلام یجر الکلام» ج ۱/۱۰۶ رجوع کنید.



العالی) پرسیدم که در زمان ورود شما به قم، در حوزه درس اخلاق وجود داشت؟ حضرت ایشان فرمودند: درس رسمی اخلاق نبود اما نمونه‌های اخلاقی در حوزه از قبیل مرحوم آیه الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی وجود داشت که انسان می‌توانست زندگی آنان را الگو و سرمشق قرار دهد.

### انسان کامل

۴ - مؤلف آثار الحجة می‌نویسد:

آن بزرگوار بسیار کریم الطبع و زکی النفس و تقی القلب، وسیع الصدر و حسن الخلق و زاهد و متقی و پارسا بوده، اکثر مردم قم و نواحی آن از او تقلید می‌نمودند و مواظبت و مراقبتش در عبادات بسیار، حزم و احتیاطش در اموری اندازه... فقیهی بود ربّانی و مجتهدی بود الهی، محضرش ذکر و روئیتش ذکر و منطقتش ذکر، سنجیه اش تواضع و رویه اش انذار و تنبّه، راستی چراغ روشنی بود که از ایوان دین خاموش شد و ستاره درخشانی بود که از آسمان علم، غروب نمود.<sup>۱</sup>

همان مؤلف در اثر دیگر خود می‌نویسد:<sup>۲</sup>

مرحوم آیه الله حاج آقا حسین قمی می‌فرمود: من منکر بودم که در این زمان شرایط فعلی و فساد عمومی آدم خوب (کامل) پیدا شود، تا آن جناب را در قم دیدم و آیه الله آقا سید مرتضی کشمیری را در نجف اشرف که یقین کردم در این عصر هم، انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می‌شود.

و در جلد دیگر همان اثر می‌گوید: مرحوم آیه الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی... از اوتاد زمان خود بودند.<sup>۳</sup>

### تواضع و فروتنی

۵ - حضرت استاد، حاج آقا موسی شبیری زنجانی از یکی از منبریه‌های قابل اعتماد

۱ - آثار الحجة ج ۳۹/۲.

۲ - گنجینه دانشمندان ج ۱۲۹/۱.

۳ - گنجینه دانشمندان ج ۱۸۰/۶.



نقل می‌کنند که وی روز عیدی برای دیدن مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم به منزل وی می‌رود، می‌گویند: آقا تشریف نداشتند، پس از آنکه تشریف می‌آورند معلوم می‌شود که منزل حاج شیخ عبدالکریم حائری رفته‌اند (ملاحظه می‌فرمائید که ایشان با اینکه باید در خانه بنشینند تا مردم و طلاب به دیدارشان بروند، خود به دیدن حاج شیخ عبدالکریم رفته‌اند). که این نهایت تواضع، و تجلیل و تبجیل از مرحوم آیه الله حائری است.

### ترویج از مرجعیت شیعه

۶ - نگارنده از حجة الاسلام موحدی قمی نواده آن مرحوم و دیگران شنیده است که در یکی از روزهای عید غدیر، جمع کثیری از مردم قم به دیدار ایشان می‌روند اما وی تا ظهر از اندرونی بیرون نمی‌آید، و وقتی در جمع مردم حاضر می‌شود رو به آنان کرده و می‌فرماید: ای مردم بیائید جایی که من می‌روم برویم و عصایش را بلند می‌کند و می‌گوید: ما یک علم (مقصودش حاج شیخ عبدالکریم بوده) داریم و باید همگی دور او بچرخیم.

### قدردانی از تأسیس حوزه در قم

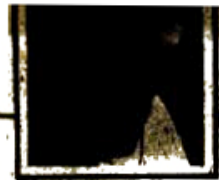
۷ - مرحوم آیت الله حاج سیداحمد زنجانی در کتاب «الکلام بجز الکلام» ج ۱ ص ۱۰۷ نوشته‌اند: از مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم قمی که مرجع مهم روحانی قم بود، شنیدیم که می‌فرمود: خدا طول عمر به آقای حاج شیخ (مرحوم حائری) بدهد، شهر ما را آباد کرد.<sup>۱</sup>

### زندگی بی تشریفات

۸ - یکی از بازاریان متدین قم نقل می‌کرد: روزی حاج شیخ ابوالقاسم را دیدم که با آن پیری و کهولت سن، کوزه آبی در دست گرفته، می‌خواهد از آب انبار آب بیاورد، جلورفتم تا کوزه آب را گرفته و برایشان پر کنم، فرمود: اگر اجازه دهید ابوالقاسم خودش این کار را انجام دهد بیشتر ممنون می‌شود، دیدم که حاضر نیست کارشان را من انجام دهم بلکه خودشان می‌خواهند آن را انجام دهند.

.....  
۱ - الکلام بجز الکلام / ۱۰۷.





### زهد و احتیاط از مصرف سهم امام (ع)

۹ - او زاهدی بی ریا و پارسائی خداترس بود و از سهم مبارک امام (ع) استفاده نمی‌کرد و بطوری که صبیبه ایشان نقل کرده، گاهی چند روز چیزی گیر آنها نمی‌آمده که از آن استفاده کنند و اگر هم چیزی داشتند معمولاً کنار سفره خود، فقراء و سادات مستمند را می‌نشانند و جملگی از آن نعمت خدادادی بهره‌مند می‌شدند.

۱۰ - حضرت آیت الله العظمی اراکی می‌فرمودند: آقا شیخ ابوالقاسم زاهد که از علمای بزرگ قم به حساب می‌آمده... خود در سهم (امام) تصرف نمی‌کرده و بر این عقیده بود که اموراتش به غیر سهم باید بگذرد.

### انس با فقراء و ضعفاء

۱۱ - حضرت آیت الله حاج آقا رضا بهاء الدینی می‌فرمایند: زهد و تقوای مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم قمی نمونه بود، ایشان با تمام محبوبیت و نفوذی که داشت تنها با سادات، اهل علم، و طبقه ضعیف خوب بود، و به آنها روی خوش نشان می‌داد، با متنفذین هیچ خوب نبود، به گونه‌ای که هیچیک از آنان جرأت نداشتند برای او هدیه‌ای بفرستند، میرزا اجازه نمی‌داد متنفذین در کارهای او دخالت کنند، زندگی کاملاً درویشی و بی‌آلایشی داشت، حتی خادمی نداشت که به کارهای بیرونی او برسد، یکی از سادات فقیر - که میرزا از سهم سادات به او کمک می‌کرد، - گاهی در بیرونی ایشان چای و غلیانی درست می‌کرد.

### توجه و فراست

۱۲ - صمصام - رئیس شهربانی وقت - قم - نیمه شبی برای ایشان یک کیسه پول می‌فرستد، معظم له توسط فرزندش (شیخ محمد باقر) آن را برمی‌گرداند و به فرزندش که از وی می‌پرسد با اینکه ما در فشاریم چرا پول را پس می‌دهید می‌فرماید: ای بابا خدا یک عقلی به من بدهد یک دینی به شما، اینها پول می‌آورند و بعدش از ما انتظاراتی دارند، ما نمی‌توانیم بگیریم.



## اخلاص

۱۳ - حجة الاسلام موحدی قمی (از نوادگان آن مرحوم) از مرحوم حاج انصاری قمی - از وعاظ معروف قم - نقل می کرد که حاج شیخ ابوالقاسم روزی برای اقامه نماز جماعت به مسجد امام (ع) تشریف می آورد، جمعیت زیاد شرکت کنندگان او را خوشحال می کند، همین امر باعث می شود که ایشان قبل از انجام فریضه به منزل باز گردند.

## تفقد از دیگران

۱۴ - نقل شده که یک مسیحی تازه مسلمان در یکی از اتاقهای پارک نایب السلطنه<sup>۱</sup> بستری بود مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم هر روز برای عیادت این تازه مسلمان می آمد، و با خود هدیه ای هم همراه می آورد تازه مسلمان اظهار کرده بود که من از اخلاق این مرد خیلی در شگفت شده ام.

## عدالت خواهی

۱۵ - یکی از بستگان آن مرحوم نقل می کرد که معظم له روزی برای خرید گوشت می روند، قصاب می گوشت بهترین گوشت را به ایشان بدهد، ناراحت شده اعتراض می کند که پس گوشتهای نامناسب را به چه کسی می خواهی بدهی، مگر خون ابوالقاسم از دیگران رنگین تر است!؟

## درس آموزی

۱۶ - حجة الاسلام حاج سید محمد علی روحانی از مرحوم حجة الاسلام حاج آقا کاظم طاهری نقل می کرد که با حاج شیخ ابوالقاسم به « ابرجست » - یکی از روستاهای قم - رفته بودیم حاج شیخ از ما می خواست که از فرصت استفاده کنیم و مطالعه نمائیم و ما هم برای ایشان کتاب می خواندیم و از جمله گاهی با وی بیرون می رفتیم اتفاقاً مشاهده کردیم زرد آلودی بر روی زمین افتاده بود و زیر پای فردی له شد این بی توجهی نسبت به نعمت الهی او را متأثر ساخت و وقتی می دید میوه ای بر روی زمین افتاده بر می داشت و آن را پاک می کرد و به کناری

۱ - این پارک بعداً به مدرسه حجتیه منبدل شد.



می گذاشت و به روستائیان می فرمود: با نعمتهای خدا اینگونه برخورد نکنید.

### انصاف

۱۷- هم ایشان از پدرش از سید احمد مصطفوی قمی نقل می کرد که روزی حاج شیخ ابوالقاسم با فرد عالمی برخورد کرد و پس از سلام قصد ورود به منزل او را داشت، آن شخص عذرخواست و گفت فردا در همین ساعت می توانید تشریف فرما شوید، حاج شیخ برگشت و فردا در همان ساعت برای انجام کار خود بر آن عالم وارد شد، پس از اتمام ملاقات، اعتراض کرده و گفتیم چرا به منزل او آمدید در حالی که دیروز آن گونه برخورد کرد، حاج شیخ فرموده بود: او به دستور قرآن عمل کرد (وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجعوا، فأرجعوا) (سوره نور آیه ۲۸).

### پرهیز از خودنمائی و فخر فروشی

۱۸- هم از مرحوم آیت الله حاج سید احمد روحانی نقل کرد که حاج شیخ ابوالقاسم در جلسه ای که پیرامون حدیثی بحث علمی در می گیرد شرکت می کند ولی اظهار نظر نمی کند، در جلسه دیگری دفتری را به حضار در همان جلسه می دهد تا مطالعه کنند، معلوم می شود حاج شیخ، در مورد آن حدیث بحثهای عمیق و مهمی کرده با این همه از سر تواضع در آن جلسه در بحث شرکت نکرده است.

### کیفیت تدریس

۱۹- یکی از شاگردان معظم له می گفت: با وجود اینکه علمیت آقای کبیر و خوش بیانی و دقت نظر ایشان غیر قابل انکار بود ولی چون در درس بطبی و کند بود و مساله ای که عنوان می شد خیلی دیر به اتمام می رسید لذا از نظر تعداد، کم شاگرد داشت.  
و یکی دیگر از مطلقین نقل کرد که سبک درس ایشان، سبک درس مرحوم میرزای شیرازی و مرحوم شیخ کاظم شیرازی و مرحوم شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بود که شاگردان در آن با استاد حق بحث داشتند و در واقع بحثها، بین الاثنینی بود.

### فرزندان

(ذریة بغضها من بعض)

آن مرحوم با دختر استادش مرحوم آیت الله شیخ محمد حسن نادای قمی (متوفای ۱۳۱۷) ازدواج کرد و خداوند به وی فرزندانی داد که عبارتند از:  
۱- آقا شیخ محمد علی - که در جوانی از دنیا رفت.



۲- آقا شیخ محمد حسن معروف به آقا نجفی - که به مقام اجتهاد رسید بود و در ۴۵ سالگی از دنیا رحلت نمود.

۳- آقا شیخ محمد باقر خازنی - معروف به آقا نجفی -.

۴- همسر مرحوم حاج شیخ محمد موجدی.

۵- همسر مرحوم محمد حسن هدایتی - از تجار قم -.

۶- و مرحوم حجة الاسلام حاج سید احمد مشرف که حسب الامر مرحوم آیت الله بروجردی مدتی در درود بود، نیز پسر خوانده ایشان بوده است.

### تالیفات او

۱- کتابی در اصول فقه، ۱ چاپ نشده.

۲- رساله عملیه، بعضی از علماء نقل کرده اند که ایشان رساله خود را برای چاپ به چاپخانه فرستاده بود (چون در قم مقلد داشت). ولی با ورود مرحوم حائری به قم، آن را از چاپخانه پس گرفت.

### برخی از شاگردان آن مرحوم

۱- حضرت آیه الله العظمی حاج آقا روح الله موسوی خمینی (دامت برکاته).

۲- حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (دامت

برکاته).

۳- آیه الله آقای حاج سید مصطفی صفائی خوانساری.

۴- مرحوم آیت الله فیض قمی.

۵- مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی.

۶- مرحوم آیت الله آخوند ملاعلی همدانی.

۷- مرحوم آیت الله حاج میرزا محمود روحانی قمی.

۸- مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی.

۹- مرحوم آیت الله شیخ مهدی حرم پناهی قمی.

۱۰- مرحوم آیت الله حاج میرزا علی اصغر اشعری قمی.

۱- اهران الشیخه ج ۸۶/۷ و چاپ جدید ۴۱۰/۲.



۱۱ - مرحوم آقای حاج میرزا عبدالهادی قمی (فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج آخوند).

۱۲ - مرحوم آقای حاج میرزا محمود انواری (م - ۱۳۸۴).

۱۳ - مرحوم آقای حاج شیخ محمد تقی اشراقی (م - ۱۳۶۸).

۱۴ - مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شیخ ابوالقاسم نحوی (متوفای ۱۳۸۶).

۱۵ - مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا سید حسن معینی.

۱۶ - مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد ابوترابی علوی (متوفای بعد از

۱۳۸۰).

۱۷ - مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شیخ حبیب الله زاهدی (م ۱۳۷۴).

۱۸ - حجة الاسلام والمسلمین میرزا زین العابدین انواری.

۱۹ - مرحوم حاج شیخ محمود موحدی.

۲۰ - مرحوم شیخ محمد حسین ناصر الشریعة.

۲۱ - حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا احمد مشرف حسینی.

۲۲ - حجة الاسلام والمسلمین میرزا عبدالله تهرانی چهل ستونی.

۲۳ - حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا ضیاء استرآبادی.

۲۴ - مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد صادق قمی.

۲۵ - مرحوم حاج شیخ علی سبقت فروش (خداپرست).

۲۶ - مرحوم حاج سید علی بلور فروش.

## وفات و مدفن

آیت الله کبیر در اواسط ماه جمادی الآخرة سال ۱۳۵۳ (ه. ق) چشم از جهان فرو بست و قلوب مؤمنان را جریحه دار کرد و مرحوم آیت الله شیخ محمد کبیر بدن شریف او را غسل داد.

مقبره او در قم، مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام در قسمت بالای سر آیت الله حائری (ره) قرار دارد.

و به مناسبت فوت ایشان شاعر اهل بیت مرحوم حاج محمد علی انصاری اشعاری سروده



که شامل ماده تاریخ وفات ایشان می باشد چند بیت آن را نقل می کنیم.  
ز جور چرخ، چون پنهان بگل خورشید دانش شد  
شربت را کمر شکست و دین را دل پر آتش شد  
بطاق عرش یزدان رخنه ای افتاد، در آن دم  
که از جور فلک پنهان بگل خورشید دانش شد  
صفیر از عالم بالا شنید آن مرغ قدوسی  
به پرواز آمد و طوبی زیروازش بنازش شد  
ولی حضرت قائم ابوالقاسم چو شد غائب  
خرد از بهر تازی بخش ز «انصاری» بخواهش شد  
زبان چون ماهی از دریای طبعش سرزد و گفتا  
به گل آن قلزم موج علم و بحرینش شد

#### مدارک این مقاله

در این مقاله علاوه بر اظهارات تنی چند از آیات و اساتید محترم حوزه علمیه قم و نواده ایشان حجة الاسلام حاج شیخ محمد رضا موحدی قمی و یادداشت‌های دوست دانشمندان آقا سید محمد جواد شبیری از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- آثار الحجة رازی ج ۱/ ۴۰-۳۹.
- ۲- گنجینه دانشمندان رازی ج ۱/ ۱۲۹-۱۲۸ و ۱۸۰/۶.
- ۳- تاریخ قم ناصر الشریعه ودوانی / ۲۴۹.
- ۴- طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر علامه نهرانی جزء اول / ۶۳.
- ۵- اعیان الشیعه عاملی جزء ۸۶/۷ و چاپ جدید، ج ۲/ ۴۱۰.
- ۶- علماء معاصرین خیابانی / ۳۸۷-۱۵۵.
- ۷- آئینه دانشوران سید ریحان الله / ۳۵۱.
- ۸- رجال قم از مقدس زاده / ۸۸.
- ۹- الکلام یجر الکلام زنجانی ۱/ ۱۰۶-۱۰۷.
- ۱۰- علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی ۳۶۴.
- ۱۱- مجله حوزه شماره ۱۶.
- ۱۲- مجله یاد سال اول شماره ۴.

